

گذر

ردبرجام در مونیخ

● مونیخ، در نزدیکی آلپ، این روزها گویی نزدیک‌ترین نقطه به وین، روسیه و اوکراین است. میهمانان، سیاست‌مداران، مدیران مهم‌ترین شرکت‌های اقتصادی و رهبران و دیپلمات‌های کشورهای جهان، در حال رایزنی بر سر منافع خود هستند، هم‌عرض اینکه نگران حمله احتمالی مسکو به اوکراین و بازی پیچیده کرملین هستند. همچنان که همه امیدوارند از وین، شهر میزبان مذاکرات احیای برجام خبر موفقیت بشنوند. وزیر خارجه ایران نیز به مونیخ رفته تا از فرصت این رایزنی‌ها استفاده کند شاید که روایت پیروزی ساخته شود.

حسین امیرعبداللهیان در مونیخ با وزرای خارجه آلمان، هند، بلژیک، ایتالیا، اتریش و هلند و دبیر کل سازمان ملل دیدار کرده و محور اغلب این ملاقات‌ها، برجام بوده است. وزیر خارجه ایران در این گفت‌وگوها بخش‌هایی از آنچه را ایران در مذاکرات هسته‌ای دنبال می‌کند، مطرح کرده که بیشتر به قطعات یک پازل می‌ماند.

امیرعبداللهیان در ملاقات با همتای ایتالیایی خود گفته که «اراده ما رسیدن به توافق خوب در کمترین زمان است. ولی اینکه چند روز یا چند هفته طول بکشد، کاملاً به رفتار و اراده آمریکا و توجه اروپا به اصول و قواعد مذاکره و حقوق مشروع ایران وابسته است.»

امیرعبداللهیان در ملاقات با دبیر کل سازمان ملل نیز علاوه بر گفت‌وگو درباره موضوعاتی از قبیل دولت فراگیر در افغانستان، پناه‌جویان این کشور در ایران و جنگ یمن به موضوع مذاکرات هسته‌ای نیز پرداخت. «بیشرفت‌ها در روند مذاکرات قابل توجه است، اما هنوز طرف مقابل در برخی موضوعات کلیدی باید در تأمین حقوق و منافع مشروع ایران تصمیمات جدی سیاسی اتخاذ کند و اراده عملی خود را نشان بدهد.» آنتونیو گوترش هم در این مورد تأکید کرد «همه منتظریم یک توافق مورد قبول همه طرف‌ها برای اجرایی‌شدن هرچه زودتر توافق از سوی طرف‌های مذاکره و تأمین منافع ایران حاصل شود.»

وزیر خارجه ایران در ملاقات با همتای آلمانی خود نیز با اشاره به مناسب‌بودن فرصت برای جبران بی‌عملی اروپا درباره برجام گفت «تهران کیفیت توافق را در کنار عنصر زمان می‌بیند و اگر همین امروز به خواسته‌های مشروع تهران توجه شود، می‌توان در وین به توافق دست یافت. ضروری است در این گام‌های آخر طرف مقابل اشتباه محاسباتی نکند و مذاکرات را به فضای رسانه‌ای نکشاند.»

خبر

کارشناس مسائل سیاسی:

اکثر نمایندگان شفافیت آرا را مخالف منافعشان می‌دانند

● آنا، محمدصادق کوشکی، کارشناس مسائل سیاسی گفت: دایره شفافیت بسیار وسیع‌تر از آن چیزی است که برخی از نمایندگان مطرح می‌کنند، اما مخالفت با شفافیت به این برمی‌گردد که اکثر نمایندگان یا پدروخواندگان مجلس، با کمال تأسف شفافیت آرا را مخالف منافع غلط و نامشروع خودشان می‌دانند. عمل‌نگردن نمایندگان به وعده‌شان مبنی بر تصویب طرح شفافیت آرا نشان می‌دهد که این مجلس چه میزان انقلابی است. یعنی شاخص انقلابی‌بودن مجلس دقیقاً همین عمل به وعده‌هایی است که نمایندگان به مردم در موضوع شفافیت آرا داده‌اند. هر توجیهی که در زمینه تصویب‌نشدن طرح شفافیت آرای نمایندگان مطرح می‌شود، بهانه‌های افرا قدرت‌طلب و فاسد است.

فرمانده نیروی دریای ارتش:

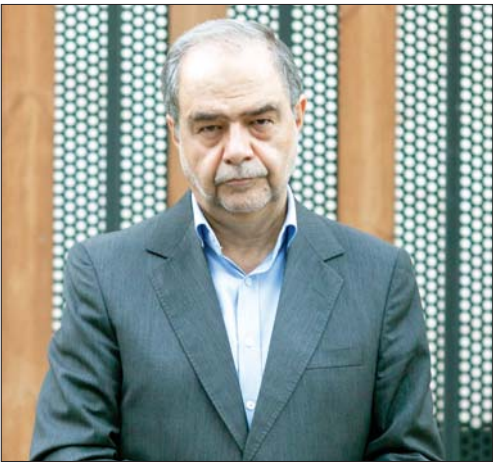
ناوشکن دماوند به‌زودی عملیاتی می‌شود

● ایسنا: فرمانده نیروی دریای ارتش از نوسازی ناوگان ارتش خبر داد و اعلام کرد به‌زودی ناوشکن دماوند به آب انداخته و عملیاتی می‌شود.
امیر درباردار شهرام ایرانی گفت: در حوزه‌های مختلف دریایی، شناوری، پروازی و زیرسطحی دستاوردهای خیلی خوبی در بخش یگان‌ها و در بخش تجهیزات و تسلیحات دریایی داشته‌ایم که نمی‌توانیم همه این پیشرفت‌ها را در رسانه‌ها بازگو کنیم. او با اشاره به افزایش برد تسلیحات دریایی عنوان کرد: در بخش موشکی، افزایش برد داشته‌ایم. در بخش زیرسطحی، ازدرها هم افزایش دقت و هم افزایش برد داشته است. همه این تجهیزات پس از انجام مراحل تست به بدنه نیروی دریای ارتش اضافه شده است. فرمانده نیروی دریای ارتش با اشاره به دیپلماسی دریایی گفت: در این حوزه برنامه‌ریزی داریم تا از کشورهای منطقه و به‌ویژه کشورهای دوست و همسایه بازبید داشته باشیم و امیدوار هستیم تا آن زمان بیماری کووید فروکش کرده باشد تا بتوانیم پیام صلح، دوستی و همکاری را به دوستان خود منتقل کنیم. ممبر ایرانی دریای ارتش با دستاوردهای جدید ارتش در بخش بالگردی افزود: ساخت بالگردهای ضد زیردریایی و مین‌روبی را در دستور کار داشته‌ایم که به دست توانمند متخصصان، ساخته شده‌اند و مراحل تست نهایی آنها به اتمام رسیده است و به‌زودی به ناوگان نیروی دریایی ارتش الحاق می‌شوند.

دیپلماسی

در نشست «رفع تحریم‌ها و سیاست خارجی توسعه محور» بررسی شد

دیپلماسی و میدان، توسعه و تحریم



شروق: آخر هفته گذشته، نخستین نشست از سلسله نشست‌های جبهه اصلاحات ایران در کلاب‌هاوس با عنوان «رفع تحریم‌ها و سیاست خارجی توسعه‌محور» برگزار شد. این نشست با حضور سه نفر از مقامات دولت سیدمحمد خاتمی برگزار شد، محسن امین‌زاده، معاون وزیر امور خارجه، سید مصطفی تاج‌زاده، معاون سیاسی وزارت امور قاسم مجبعلی، مدیر کل اداره خاورمیانه وزارت امور خارجه در دولت اصلاحات بودند که در این نشست به تبیین نگاه خود در این زمینه پرداختند.

امین‌زاده: با دیپلماسی غلط، پرونده ایران تحویل آمریکا شد

امین‌زاده در ابتدای صحبت‌های خود سابقه ماجرای برنامه هسته‌ای و تحریم ایران را مرور کرد. او در این زمینه تأکید کرد با رفتن پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل «مملتا.. پرونده هسته‌ای ایران به آمریکا تحویل داده شد». او اشاره کرد که خطر چنین اتفاقی آن زمان هشدار داده شد اما شنیده نشد: «نظر بسیاری از صاحب‌نظران در کشور بر این بود که ایران باید با تداوم مذاکرات با کشورهای اروپایی به اعتمادسازی درباره برنامه هسته‌ای خود و کاهش بحران اقدام کند». او تصورات درباره عملکرد بالقوه روسیه و چین را در مقابل واقعیت نگاه این دو کشور، از مسائل تأثیرگذار در این زمینه دانست: «چینی‌ها با ایجاد فضایی تند و آبدیبات و شعارهای انقلابی و دیپلماسی غلط پرونده به شورای امنیت ارجاع شد و عملاً پرونده ما تحویل آمریکا شد. چرا تحویل آمریکا شد؟ چون حتی روسیه و چین هم گفتند که در شورای امنیت نمی‌توانند در مقابل آمریکا بایستند. بقیه اعضای شورای امنیت تلاش کردند که ایران را قانع کنند که به مذاکرات ادامه دهد تا پرونده به شورای امنیت ارجاع داده نشود. آنها گفتند که آمریکا در شورای امنیت قدرت تعیین‌کننده خواهد بود اما ایران به این تذکرات توجهی نکرد. تصورات و تخیلاتی وجود داشت که پرونده به شورای امنیت ارجاع نمی‌شود و می‌توان به چین و روسیه اتکا کرد در حالی که آنها گفته بودند که نمی‌توانند در مقابل آمریکا بایستند و خود ایران باید این موضوع را مدیریت کند.»

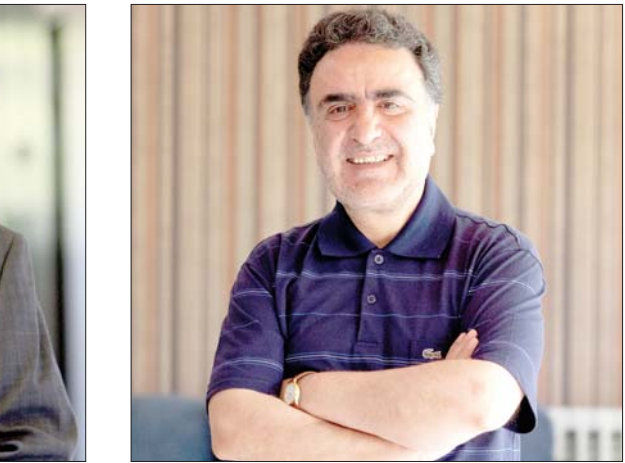
امین‌زاده ادامه داد: «با رفتن پرونده به شورای امنیت، خروج پرونده از شورای امنیت مستلزم رأی همه اعضای دائمی بود و آمریکا به تنهایی می‌توانست مانع از خروج پرونده ایران از شورای امنیت شود.» او با اشاره به رویکرد نادرست مقامات وقت اشاره کرد: «شرایط کشنویی که ایجاد شده بود وضعیتی را ایجاد کرد که بازسازی آن در این سال‌ها با فرازونشیب‌های زیادی روبه‌رو بوده است.»

سیاست منطقه‌ای ایران ازوزارت خارجه خارج شد

معاون سابق وزیر خارجه در ادامه به اتفاق مهم دیگری پرداخت که از نگاه او، در کنار ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت رخ داد: «مهم‌ترین اتفاق در عرصه تصمیم‌گیری سیاست خارجی این‌بن بود که سیاست خارجی منطقه‌ای ایران از کنترل وزارت خارج شد. بر این اساس دیپلماسی ایران برخلاف تمام کشورهای جهان به شکل یک مأموریت دست دوم تبدیل شد و کارایی خود را برای بهره‌گیری از فرصت‌های جهانی و کنترل بحران‌های جهانی از دست داد و در نتیجه آن‌طور که معروف شده است «میدان» غالب شد». وی ادامه داد: «در نتیجه روابط اقتصادی و روابط تجاری بین‌المللی و همکاری‌های بین‌المللی ایران در اثر تحریم‌های کمرشکن مختل شد و به طور کامل متوقف شد. با اعمال این تحریم‌ها هویت روابط اقتصاد خارجی به نمی‌توانیم همه این اقتصاد خارجی ایران به نوعی اقتصاد زیرزمینی بدل شد. ایران برای پیشبرد امور خود نیازمند قاچاق و فعالیت‌های زیرزمینی شد. صرف‌نظر از هزینه‌های بالای این وضعیت، به دلیل عدم دسترسی به سیستم بانکی و تکنولوژی‌های جدید، پروژه‌های اقتصادی ایران هم متوقف شد. با وجود قیمت بالای نفت ایران فرصت‌های اقتصادی از دست رفت. ایران به تدریج از بازار نفت حذف شد. نفت وجه استراتژیک اقتصاد ایران بود و حضور ایران در بازار نفت همواره ضامن ثبات اقتصاد ایران بود که با تحریم نفت ایران این اقتصاد با بحران مواجه شد. با خروج نفت ایران از بازار نفت کشورهای مثل عراق و روسیه سهم نفت ایران را بر کردند.»

ایران بیش ازبازدارندگی نظامی به بازدارندگی اقتصادی نیلزارد

دیپلمات سابق ایران در ادامه به مسئله بازدارندگی اقتصادی پرداخت: «ایران بیش از آنکه نیازمند بازدارندگی نظامی باشد نیازمند بازدارندگی اقتصادی است.» وی تصریح کرد: «نبرد تحریم‌ها صحنه یک



نبرد واقعی است و نیازمند بازدارندگی است و ایران برای تغییر شرایط بیش از آنکه نیازمند بازدارندگی نظامی باشد نیازمند بازدارندگی اقتصادی است که در این زمینه جدا دچار مشکل است.» امین‌زاده در تشریح این موضوع گفت: «چرا بازدارندگی؟ بازدارندگی به معنی داشتن قدرت مؤثر برای اقدام عمل متقابل. برای متصرف‌کردن دشمن برای اقدام خصمانه است. متعارف این است که بازدارندگی یک مفهوم نظامی است. تأمین توان نظامی و تهاجمی مؤثر برای متصرف‌کردن حریف از تهاجم نظامی. داشتن سلاح هسته‌ای برای متصرف‌کردن دشمن از استفاده از سلاح هسته‌ای. اما این مفهوم در فضای اقتصادی معنادار شده است چراکه در منازعات بین‌المللی سهم مناقشات اقتصادی زیاد شده است. از سوی دیگر اهمیت بازدارندگی نظامی نسبت به گذشته کاهش یافته است. فراموش نکنیم که سه دهه پیش اتحاد جماهیر شوروی در اوج قدرت نظامی به دلیل فقدان بازدارندگی اقتصادی و ناتوانی اقتصادی که ناشی از مسابقه تسلیحات بود فرو پاشید. این قدرت نظامی هیچ کمکی به پیشگیری از فروپاشی این ابرقدرت نکرد.» او به معنادارشدن مفهوم تحریم در مناقشات روز جهان از جمله بین آمریکا و اروپا در مقابل چین و روسیه اشاره کرد و بعد از مثال شوروی سابق، مثال چین را نیز در این زمینه قابل توجه دانست: «چینی‌ها در موج تحولی که از دهه ۷۰ میلادی شروع کردند دو شعار اصلی داشتند. باورهای دنگ شیائوپینگ و دیگران بر این اساس بود که قدرت نظامی اگر متکی به قدرت اقتصادی نباشد قدرت ماندگاری نیست. البته این پیش از تجربه فروپاشی شوروی بود که فروپاشی شوروی این تصویر و این ادعا را کاملاً واقعی کرد. دوم اینکه اساس قدرت ملی، اقتصادی است و تمام موانع رسیدن به قدرت اقتصادی را باید به اشکال مختلف برطرف کرد.» وی تصریح کرد: «اگر این وضعیت را با وضعیت ایران مقایسه کنیم درمی‌یابیم که ما با چه مشکلات و نابسامانی‌هایی روبه‌رو هستیم و تا چه اندازه اقتصاد ایران در مقابل فشارها آسیب‌پذیر است.»

برای صادرات گاز به اروپا یا تبدیل آن به ال‌ان جی ندارد. دانش بهره‌برداری از ذخایر نفتی ایران روزآمد نیست. برای بازسازی و روزآمدکردن تکنولوژی آنها نیاز به همکاری با شرکت‌های جهانی است.» امین‌زاده تأکید کرد: «در چنین شرایطی اقتصاد هر کشوری نیاز به روابط فعال بین‌المللی دارد. هر کشوری نیاز به بازار دارد. صنعتی که غیر از بازار داخلی خودش بازاری نداشته باشد، در آن بازار خفه می‌شود. بسیاری از تولیدات صنعتی ایران چنین حالتی دارد و بدون بازار جهانی نمی‌تواند به تولید ادامه دهد. بدون دانش روز، بدون مبادله فعال شرکت‌هایی که دانش نو را تولید می‌کنند و بدون ارتقا و روزآمدی، صنایع ایران به سمت آسیب‌پذیری هرچه بیشتر می‌رود. هر کشوری برای توسعه نیاز به بازار صنایع و تکنولوژی دارد. اقتصاد درون‌زا و درون‌گرا که خودکفایی را دنبال کند در توسعه جهانی معنای خود را از دست داده است. توسعه هر کشوری مستلزم مناسبات فعال جهانی است.» اما از نگاه او وضعیت فعلی به گونه دیگری است: «در این وضعیت اقتصاد ایران در روندی پیش می‌رود که هر روز از کشورهای بیشتری عقب می‌رود. اقتصاد ایران جزء ۲۰ اقتصاد بزرگ جهان بوده و مدتی است از این وضعیت خارج شده است. آخرین جمع‌بندی بانک جهانی که البته قابل مناقشه است، رتبه ۵۱ را به ایران داده است.»

سیاست خارجی باید دیکران را مدیریت کند نه تحت تأثیر باشد

او در پایان تصریح کرد: «اینها همه ناشی از پدیده‌ای است که در اقتصاد ایران رخ داده و شرایطی که در وضعیت تحریم و مناقشه با جامعه جهانی با آن روبه‌رو شده است. آنچه پیش‌روی ایران است راه‌حل اقتصاد ایران، سیاست خارجی موثف و پویایی است که روابط اقتصادی را جهانی کند و ایران بتواند از روابط جهانی بهره‌مند شود و فرصت‌های توسعه روزآمدی را به دست بیاورد. کره کور ۱۶ساله اقتصاد ایران، به حاشیه رفتن سیاست خارجی است. ایران برای عبور از این مرحله و بازگشت به جایگاه شایسته خود و توسعه اقتصادی نیازمند سیاست خارجی خردمندانه، قدرتمندانه، پویا و حرفه‌ای است که تمام کنش‌های خارجی ایران را مدیریت کند، نه اینکه تحت تأثیر آنها باشد.»

تاج‌زاده: می‌شود تنش‌های امروز جلوگیری کرد

مصطفی تاج‌زاده در سخنان خود با اشاره به تأکید برخی بر عبارت «تنهایی استراتژیک ایران» تصریح کرد: «این از زمان قبل از انقلاب مطرح می‌شد که می‌خواستند نوعی همکاری استراتژیک با غرب را توجیه کنند». وی افزود: «درحالی‌که اساسا می‌شد از تنش‌هایی که امروز با همسایگان داریم، جلوگیری کرد. به‌راحتی می‌شد با استفاده از یک دیپلماسی خوب از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و تحریم‌های سنگین علیه کشورمان جلوگیری کنیم. ما می‌توانستیم با دیپلماسی صحیح جلوی مشکلات با همسایگان را بگیریم.» او دوره اصلاحات را مثالی برای استفاده از این رویکرد دانست که ضمن امنیت در روابط بین‌المللی صنایع نظامی نیز پیشرفت کردند و در مقابل ایجاد حاشیه علیه ایران بین کشورهای دارای اختلاف را نمونه ناکامی رویکرد مقابل دانست. وی عنوان کرد: «امروز، کمتر ایرانی‌ای را می‌توان سراغ داشت که ارتباط بین تحریم و اقتصاد را درک کند. بر همین اساس هم شاهد آن هستیم که به رغم اینکه برخی دولت‌ها با بد برنامه مخالفاند، مجبورند همین برجام را رقبس با برای ایجاد توازن و معامله بهتر داشته باشند. این شدنی است. خیلی از کشورها انجام داده‌اند. اگرچه با همسایگان یا قدرت‌های بزرگ تنش‌هایی داشته‌اند. در عین حال بازی برید برد را دنبال کرده‌اند.»

مجبعلی: سیاست خارجی باید در خدمت توسعه باشد

قاسم مجبعلی نیز در صحبت‌های خود تأکید کرد: «تجربه پنجاه سال اخیر بعد از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد کشورهایی که به سمت توسعه به‌خصوص توسعه اقتصادی حرکت کرده‌اند، سیاست خارجی داشته‌اند که در خدمت توسعه کشور بوده است.» وی با اشاره به مثال موفق سنگاپور گفت: «کشورهایی که به دنبال توسعه ملی بدون

ادامه از صفحه اول

روزنامه‌نگاری کلاب‌هاوسی

آنها صرفا به واسطه یک «حضور» و چنگ‌زدن به قابلیت‌های گنگ‌ساز و پروپاگانداساز فضای مجازی با لفاظی خود را بدل به فعال و روزنامه‌نگار و تحلیلگر یک‌شبه می‌کنند. فضای مجازی این امکان را فراهم می‌کند که در غیبت مخاطبان مجهز به سواد رسانه‌ای، در غیاب حضور کارشناسان اصیل و واقعی، عده‌ای بدل به مراجع فیک نظر و تحلیل شوند. اگر تا پیش‌ازاین تصور می‌شد که رسانه‌های اجتماعی قرار است با چرخش و تبادل ایده به یک گفت‌وگوی همگانی دامن زند که به سود پیشبرد دموکراسی است یا آنچه مراد هابرماس از «کنش ارتباطی» است رخ دهد که در آن کنشگران در جامعه با مباحته استدلالی، توافق و همکاری، به دنبال دستیابی به فهم مشترک و کنش‌های تفاهمی هستند اما در عمل این‌گونه نشده است. تحقیقات نشان داده که شبکه‌های اجتماعی با الگوریتم‌هایی که هدفش کسب منافع مالی، جذب تبلیغات وو… است، به دنبال شخصی‌سازی پیام‌ها هستند. یعنی شما با محتوایی درگیر می‌شوید که ایده‌ها و خواسته‌های فعلی شما را تأیید کند یا با آن همسو باشد. الگوریتم‌ها به شکل و شیوه‌ای چیده شده که شما را لزوما در فضا یا جریان تضارب ایده‌ها قرار دهد. همین الگوریتم‌ها امکان فیلترکردن یا سمت‌وسودهی به محتوا را هم فراهم می‌کند. مثلا بارها شده در توئیتر، به توییتهی برخورداره‌ایم که بدون هیچ محتوای خاصی برجسته و لاجرم در دید همگان قرار گرفته است، صرفا به دلیل اینکه از سسوی یک باند توییتری بازنشر شده است. در کلاب‌هاوس این ماجرا به شکلی دیگر رخ می‌دهد. حضور شما در استیج یک اتاق پرمخاطب با تعداد عضو بالا، با اراده و خواست مدیران صورت می‌گیرد. به ده‌ها دلیل شخصی یا غیرشخصی بر اساس خواست و تمایل مدیران، ممکن است فرد یا افرادی با وجود شایستگی اظهارنظر درباره موضوعی یا داشتن سخنی تازه از حضور در استیج بازمانند و افرادی با شانس حضور برخوردار شوند، بدون اینکه لزوما حرف و سخنی نو برای گفتن داشته باشند. نتیجه این می‌شود که آنچه مراد هابرماس از کنش ارتباطی بود، به محتوا را هم فراهم می‌کند. مثلا بارها شده اینکه اجازه سخن‌گفتن داده نشده گلابه‌م‌ندند و کلابه‌مندتر از اینکه چرا باید تن به شنیدن سخنان تکراری و کم‌محتوای چهاره‌های تکراری دهند. این روزها پیش از هر زمان دیگری ما به محقرشدن به «سواد رسانه‌ای» نیاز داریم.

مناسبات جهانی بودند همگی شکست خوردند. این سیاست سرلوحه مالزی و چین و هند قرار گرفت. این تجربه نشان داد کشورهایی که سیاست خارجی هم‌افزا با سیاست بین‌المللی نداشتند، کشورهایی بودند که از نظر اقتصادی شکست خوردند. تجربه ما در خاورمیانه هم همین موضوع را نشان می‌دهد.»

آرماهای تأثیر سیاست خارجی بر اقتصاد

مجبعلی سپس با مرور آمارهایی به اثرگذاری مستقیم سیاست خارجی بر اقتصاد ایران پرداخت: «از اوایل دهه ۸۰ علی‌رغم نوسانات روند تولید ناخالص داخلی روبه‌افزایش بوده است. تولید ناخالص داخلی به ۱۵۰ میلیارد دلار رسیده بود با اختلاف اندکی با عربستان و ترکیه. اما در سال ۲۰۱۰ که تحریم‌های شورای امنیت شروع شد در فاصله کمتر از دو سال ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی ما کاهش یافت. مدیریت داخلی هم مؤثر بود ولی این موضوع قیلا هم وجود داشت.» وی ادامه داد: «وقتی برجام انجام شد از ۳۵۰ تا ۴۵۰ میلیارد دلار افزایش پیدا کرد و دوباره بعد از تحریم به ۳۰۰ یا ۲۵۰ میلیارد دلار کاهش پیدا کرده است. این مرتبط با سیاست خارجی ناکارآمد است که تناسبی با زندگی مردم نداشته است. آمار نشان می‌دهد که چگونه سیاست خارجی رابطه مستقیم با مشکلات ما دارد. ایران در دهه ۷۰ سومین یا چهارمین اقتصاد آسیا بود ولی الان سیزدهم است. در آن زمان هم‌تراز چین و هند بودیم. هند، اندونزی، ترکیه، کره جنوبی و حتی ویتنام به همین‌گونه، در آن زمان اقتصادشان از ما عقب‌تر بود (اما الان) با سرعت زیاد جلوتر از ما هستند. این نشان می‌دهد که آنچه ما در این دوره تجربه کردیم سیاست خارجی و ناکارآمدی ما بوده است.»

امروز اقتصاد اولین شاخص قدرت بین‌المللی است

این دیپلمات سابق درباره جایگاه اقتصاد در قدرت گفت: «در دنیای کلاسیک قدرت سرزمینی، جمعیتی و نظامی بود. امروز قدرت بین‌المللی هفت شاخص دارد که اولین آنها اقتصاد است. اقتصاد بیش از ۲۵ درصد قدرت ملی و زیربنای قدرت‌های دیگر است، از جمله سرزمینی، انسانی، نظامی، بین‌المللی، سیاسی، عملی و فرهنگی.» او به‌عنوان مثال اشاره کرد: «نظر درای اختلاف را نمونه ناکامی رویکرد مقابل دانست. وی عنوان کرد: «امروز، کمتر ایرانی‌ای را می‌توان سراغ داشت که ارتباط بین تحریم و اقتصاد را درک کند. بر همین اساس هم شاهد آن هستیم که به رغم اینکه برخی دولت‌ها با بد برنامه مخالفاند، مجبورند همین برجام را رقبس با برای ایجاد توازن و معامله بهتر داشته باشند. این شدنی است. خیلی از کشورها انجام داده‌اند. اگرچه با همسایگان یا قدرت‌های بزرگ تنش‌هایی داشته‌اند. در عین حال بازی برید برد را دنبال کرده‌اند.»

مجبعلی تصریح کرد: «حتی اگر بر فرض به قدرت نظامی شوروی سابق دست پیدا کنیم که با توجه به شرایط فعلی ما امر ناممکنی است، نیازمند کشتی مؤلفه دیگر هستیم.» او البته اشاره کرد: «ما در منطقه‌های هستیم که اکثر کشورها مشکل دارند. امنیت بسیار مهم است اما نه‌فقط نگاه به امنیت از دریچه نظامی. ما به این دلیل به امنیت نیاز داریم که با ظرفیت بالایی که مسیر توسعه اقتصادی باشیم، اصولا برای بازدارندگی نظامی هم نیاز به توسعه اقتصادی داریم.» وی توضیح داد: «ما مشکلی که پیدا کردیم فهم مسئله در مناسبات است. اختلاف بر ضرورت تأمین امنیت نیست. من مثالی بزنم. شما تاکنون اسم فرمانده نظامی روسیه را شنیده‌اید؟ آیا تا به حال کسی غیر از وزیر خارجه را دیده‌اید؟ مگر اقدامات نظامی نکردند؟». این دیپلمات سابق تصریح کرد: «جنس استفاده از فرصت‌های جهانی جنسی از مدیریت دیپلماتیک است و این خلئی است که وجود دارد.»